

## تأثیرات کرونا بر زندگی زنان سرپرست خانوار منطقه ۱ تهران (اوین / در که)

فهیمة آزموده<sup>۱</sup>

### چکیده

**تعریف:** امروزه، جایگاه انسان محور اصلی توسعه است و توجه به نیازهای اساسی وی و رهایی از فقر صرفاً جنبه بشر دوستانه ندارد؛ بلکه بهره‌مندی از ابعاد توسعه و رهاشدن از فقر یک حق مسلم در قوانین بین‌الملل محسوب می‌شود. در این میان سهم نابرابر و بیشتر زنان از فقر در مقیاس جهانی، به‌ویژه پس از شیوع پاندمی کرونا بیشتر شده است. مطالعه کیفی حاضر به بررسی و واکاوی اثرات فقر در بین زنان سرپرست خانوار پس از پاندمی کرونا می‌پردازد و درصدد است ماهیت و ابعاد آن را در بین زنان مورد مطالعه آشکار کند.

**هدف:** بر همین اساس، با اتخاذ روش‌شناسی کیفی، از ۱۵ نفر از زنان سرپرست خانوار در منطقه ۱ تهران محدوده اوین/ در که مصاحبه عمیق گرفته شد و داده‌های گردآوری شده با استفاده از تحلیل تماتیک یا موضوعی تحلیل شدند. عوامل بسیاری به‌عنوان متغیرهای مؤثر در فقر مطرح شده است، مانند نابرابری در حقوق، فرصت‌ها و محرومیت بیشتر زنان از امتیازات اشتغال رسمی، مهاجرت‌ها و جنگ‌ها که البته در دو سال اخیر با گسترش پاندمی کرونا نه تنها به فقیرتر شدن افراد جامعه، بلکه به پیوستن قشر خاصی از زنان، یعنی زنان سرپرست خانوار به گروه فقیرترین فقرا منجر شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌های این تحقیق مقوله‌های خاصی را به دست داد که عبارت‌اند از: پیش‌بینی از آینده تاریک و استرس، احساس تبعیض و بی‌عدالتی، طرد اجتماعی، آسیب‌پذیری اخلاقی.

**نتیجه:** مقوله‌های مذکور با استناد به داده‌های مصاحبه‌ها بیانگر ماهیت چندبعدی اثرات کرونا بر فقیرتر شدن زنان سرپرست خانوار است.

**واژگان کلیدی:** زنان سرپرست خانوار، پاندمی کرونا، شاخص‌های کیفی فقر، نابرابری، طرد اجتماعی.

ویروس کرونا یا بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ که در اواخر سال ۲۰۱۹ در شهر ووهان<sup>۱</sup> چین شیوع یافت، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر تمامی حوزه‌های زندگی در سراسر جهان تأثیر گذاشته است. کووید ۱۹ با نام مستعار کروناویروس<sup>۲</sup> یک بیماری ویروسی مشابه با سرماخوردگی است که مشکلات تنفسی حاد ایجاد می‌کند و جدیدترین خطر برای جوامع بشری و کسب‌وکارهای گوناگون محسوب می‌شود. این بیماری با علت ناشناخته برای اولین بار در تاریخ ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۹ به دفتر رسمی سازمان بهداشت جهانی<sup>۳</sup> گزارش داده شد (کو، ۲۰۲۰: ۳؛ دانش فر، ۲۰۲۰). با این حال، این بیماری علاوه بر قرنطینه بسیاری از جوامع، ضربه‌های مالی مهلک و عظیمی را به صنایع و کسب‌وکارهای گوناگون زده است. تا تاریخ ۳۰ آوریل ۲۰۲۱ بیش از ۴ میلیون نفر تحت تأثیر این ویروس قرار گرفته‌اند.

شیوع بیماری کووید ۱۹ در جهان منجر به کاهش خدمات و تولید و در نتیجه بیکاری و از بین رفتن کسب‌وکارها و همچنین کاهش جدی درآمد‌ها گردیده است. این بحران می‌تواند یک بحران زیستی - روانی، اجتماعی به دلیل آسیب‌های شدید ایجاد شده در سلامت جهانی و اقتصادی صرف‌نظر از قومیت، منطقه، طبقه اجتماعی و جنسیت ایجاد کند (سازمان ملل، ۲۰۲۰). این ویروس کشنده با ورشکستگی مالی در صنایع و سازمان‌های مختلف مشکلات اقتصادی و روانی بسیاری را ایجاد کرده است. کمبود دارو، تجهیزات پزشکی و تجهیزات حفاظتی و ازدحام گسترده در بیمارستان‌ها وضعیت دشواری را برای مراقبین و دولت‌ها به وجود آورده است. در این میان اقتصاددانان بر این نظر هستند که شیوع این بیماری در جهان باعث نگرانی بخش‌های ضعیف جامعه، به‌ویژه زنان سرپرست خانوار شده است. با توجه به تعدیل برخی مشاغل و نیز از رونق افتادن پاره‌ای از کسب‌وکارها طبیعتاً افراد با مسائل و مشکلات بسیاری روبه‌رو شده‌اند و همین امر منجر به ایجاد نوعی چرخه فقر در میان آنها شده است.

زنان به دلیل حضور در نقش‌های متفاوت به‌عنوان متخصصان بهداشت و سلامت، داوطلبان اجتماعی، مدیران، همسران و مادران، با شیوع این بیماری بیشتر تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. البته ویروس کرونا همه افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما نوع و شدت این اثر بر گروه‌های مختلف جامعه متفاوت است و می‌تواند نابرابری‌های موجود را عمیق‌تر کند؛ لذا افزایش آگاهی یکی از راه‌های مهم و تأثیرگذار در کاهش عوارض این پاندمی است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که در میان گروه‌های مختلف زنان، زنان سرپرست خانوار با گسترش پاندمی کرونا بیشتر تحت تأثیر قرار گرفته‌اند و ضمن اینکه تعداد آنان در کشورهای توسعه‌یافته در این دوران روندی افزایشی داشته است (ونهام، ۲۰۲۰: ۱۴) و این

1. Wuhan  
2. Corona Virus  
3. World Health Organization

موضوع پدیده زنانه شدن فقر<sup>۱</sup> (استیو و لیو، ۲۰۱۷: ۴۵) را عمیق‌تر کرده است. طبق گزارش سازمان ملل، ۶۵ درصد زنان در بخش غیررسمی مشغول هستند و این موضوع آنها را آسیب‌پذیرتر می‌کند (ناریان، ۲۰۱۵: ۱۴۱). البته دلایل گوناگونی در شکل‌گیری این وضعیت برای زنان سرپرست خانوار وجود داشته است. افزایش تعداد طلاق‌ها و رهاکردن خانواده توسط مردان برای جستجوی کار و شرایط اقتصادی بهتر در این دوران رو به گسترش بوده است (استیو و لیو، ۲۰۱۷: ۵۵). این موارد برای زنان و کودکان وابسته به آنها عواقب فاجعه‌باری داشته و این در حالی است که با اقدامات دولتی جهت محدود کردن انتشار بیماری شامل قرنطینه، فاصله‌گیری اجتماعی و... فقر این زنان را بیشتر کرده است. لذا زنان سرپرست خانوار در بحران کرونا شایسته توجه ویژه هستند؛ چراکه آنها هم‌زمان فقر، تبعیض جنسیتی و فقدان حمایت اجتماعی را تجربه می‌کنند (مالیک، ۲۰۲۰: ۱۴۵، میروسی نیک، ۱۳۹۴: ۴۸). گسترش مسائل و مشکلات اقتصادی این دسته از زنان سبب شده است آنها نسبت به گذشته بیش‌ازپیش احساس بی‌قدرتی کنند.

در کشور ما نیز در سال‌های گذشته شاهد گسترش خانوار سرپرست زن به دلیل فوت همسر، طلاق، عدم ازدواج زنان و مجرد باقی ماندن زنان است (شکوری، ۱۳۹۲: ۱۱۰). بر اساس اعلام مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۸ که آخرین آمار هزینه و درآمد منتشر شده، از ۲۵ میلیون و ۶۸۵ هزار سرپرست خانوار در کشور، ۳ میلیون و ۵۱۷ هزار نفر از آنان را زنان تشکیل می‌دادند. از همان ۳.۵ میلیون زن سرپرست خانوار نزدیک به ۱.۵ میلیون نفر از آنان را زنان خودسرپرست (خانوار یک‌نفره) تشکیل داده است. به عبارتی، از کل سرپرستان خانوار در کشور حدود ۱۳.۷ درصد آنان زن هستند و از کل سرپرستان خانوار زن، حدود ۴۱.۵ درصد از آنان خودسرپرست و تنها زندگی می‌کنند. به‌ویژه اینکه در سال ۱۳۹۹ نیز نزدیک به ۶۶۳ هزار زن بیکار شده‌اند (گزیده سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸). بر اساس جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران، تعداد شاغلان کشور در پایان سال ۱۳۹۹ به ۲۳ میلیون و ۲۶۳ هزار و ۴۷ نفر رسیده است که در مقایسه با سال ۱۳۹۸ از کاهش یک میلیون و ۱۰ هزار و ۴۷۰ نفری خبر می‌دهد. از یک میلیون و ۱۰ هزار و ۴۷۰ نفری که طی یک سال اخیر شغل خود را از دست داده‌اند، ۳۴۷ هزار و ۶۱۸ نفر مرد و ۶۶۲ هزار و ۸۵۲ نفر از آنان زنان هستند. در ظاهر به نظر می‌رسد زنانی که شغل خود را از دست داده‌اند، حدود دو برابر مردانند؛ در واقع مردانی که طی یک سال اخیر شغل خود را از دست داده‌اند، در مقایسه با ۱۹ میلیون و ۹۵۳ هزار مرد شاغل، فقط ۱.۷ درصد از آنان را شامل می‌شوند. این در حالی است که زنانی که شغل خود را از دست داده‌اند، در مقایسه جمعیت ۴ میلیون و ۳۲۰ هزار زن شاغل در سال ۱۳۹۸، معادل ۱۵.۳ درصد از آنان می‌شوند. به عبارتی

1. poverty of Feminization:

(واژه زنانه‌شدن فقر ابتدا در طی افزایش نسبت زنان سرپرست خانوار در دهه ۱۹۷۰ در آمریکا مطرح شد).

دیگر، از ۱۹ میلیون و ۹۵۳ هزار مرد شاغل در سال ۱۳۹۸ حدود ۱.۷ درصد از آنان شغل خود را در سال ۱۳۹۹ از دست داده؛ اما از ۴ میلیون و ۳۲۰ هزار زن شاغل سال ۱۳۹۸، حدود ۱۵.۳ درصد از آنان در سال ۱۳۹۹ شغل خود را از دست داده‌اند. این بدین معنی است که نسبت زنان به مردانی که شغل خود را در سال ۹۹ از دست داده‌اند، حدود ۹ برابر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸). در صورتی که این افراد جزء زنان سرپرست خانوار یا خودسرپرست باشند، طبیعی است گذران معیشت برای این خانوارها در دوران کرونا بسیار دشوار و سهمگین باشد. با توجه به نسبت روبه‌رشد خانوارهای زن سرپرست خانوار در ایران، بررسی اثرات کرونا بر روی زنان سرپرست خانوار اهمیت بسیاری پیدا می‌کند.

بر این اساس، زنان سرپرست خانوار در ایران یکی از آسیب‌پذیرترین اقشار در دوره کرونا هستند. به دلیل اینکه آنان اغلب در بخش‌های غیررسمی اقتصادی فعالیت دارند و از این‌رو در اوج بحران کرونا دشواری تأمین هزینه‌های امرارمعاش این زنان و اعضای خانواده‌شان بیشتر شده است. در چنین شرایطی و با توجه به تحقیقات و بررسی‌های محدود درباره تأثیر کرونا بر وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار در ایران در این تحقیق با انتخاب زنان سرپرست خانوار در منطقه یک تهران و در محدوده اوین - درکه، تأثیرات بیماری کرونا بر زنان سرپرست خانوار مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. علت اصلی انتخاب این منطقه آشنایی نگارنده با بخشی از زنان سرپرست خانوار و محیط اجتماعی این منطقه است.

## ۲. پیشینه تحقیق

در مرور ادبیات تجربی به‌منظور روشن‌شدن حیطه موضوعی تحقیق مروری بر چند تحقیق داخلی و خارجی ارائه می‌شود. در گزارشی تحت عنوان «تأثیرات ثانویه کووید ۱۹ بر زنان و دختران در جنوب صحرای افریقا» (۲۰۲۰) نویسندگان تل رافائلی<sup>۱</sup> و جرالدهاچیسون<sup>۲</sup> اثرات بحران کرونا بر آموزش، حمایت اجتماعی، حاملگی‌های ناخواسته، دسترسی به خدمات بهداشتی، اشتغال غیررسمی زنان و دختران، امنیت غذایی و تغذیه را مهم‌ترین مشکلات زنان در دوره کرونا می‌دانند. در این مطالعه گروه خاصی از زنان مورد بررسی قرار نگرفته‌اند و مشکلات به‌طور عمومی در میان زنان مورد بررسی قرار گرفته است.

همچنین، در گزارشی تحت عنوان «کووید ۱۹ و زندگی زنان»، دلایل برای شناخت تأثیرات متفاوت بیماری بر روی زنان و مردان از سوی کمیسیون زنان<sup>۳</sup> طی چند بخش بررسی می‌شود. خشونت علیه زنان، تضعیف حقوق اقتصادی و وضعیت سلامت زنان را در دوره کرونا به‌عنوان سه عامل مهم میان زنان و مردان بررسی می‌کند. در این گزارش هم معضلات کرونا میان زنان و مردان مورد مطالعه قرار گرفته است.

1. Tal Rafaeli
2. Geraldine Hutchinson
3. Inter-American Commission of Women

سنا مالیک و نعیم<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر کووید ۱۹ بر زنان: سلامت، زندگی و خشونت خانگی»، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بیماری همه‌گیر کرونا علاوه بر اثرات اولیه‌ی زیادی که دارد، تأثیرات ثانویه‌ی پیامدهای اجتماعی و سیاسی عمیق‌تری بر روی زنان دارد. عملکرد دولت‌ها در این رابطه بسیار مهم است و برای مقابله با مشکلات اولیه و اثرات ثانویه از طریق سیاست‌ها و مداخلات عادلانه می‌توان اقدام کرد. درک و فهم تأثیرات متفاوت کرونا بر زندگی زنان و مردان در این تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرد. در این مقاله به‌طور موردی به بررسی وضعیت زنان در پاکستان پرداخته می‌شود که عدم وجود طرح‌های اجتماعی برای آنها، ناامنی مالی و اقتصادی بی‌سابقه‌ای ایجاد کرده است. در انتها پیشنهاداتی در چارچوب حمایت‌های دولتی و در جهت رفع اثرات بیماری کرونا بر معیشت و زندگی زنان در پاکستان ارائه می‌شود.

در مقاله‌ای تحت عنوان «کووید ۱۹ و تأثیر آن بر زنان»، نانتینی و تامارا نائر (۲۰۲۱) افزایش خشونت علیه زنان و همچنین، تأثیرات غیرمستقیم بر اقتصاد، اجتماع، ناامنی اقتصادی و افزایش بار مراقبت بر زنان مورد توجه قرار می‌گیرد. در این مقاله نیز توجهی به راهکارهای عملی در جهت کاهش اثرات کرونا ارائه نشده است.

از سویی دیگر در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر کووید ۱۹ بر برابری جنسیتی»، تیتان آلون<sup>۲</sup> و همکارانش (۲۰۲۰) با نگاهی متفاوت به بحران کرونا در آمریکا دارند. آنها ضمن بررسی اثرات منفی، مانند رکود اقتصادی ناشی از کرونا بر این نظرنند که این بحران می‌تواند بر برابری جنسیتی اثر مثبتی داشته باشد. به‌گونه‌ای که اقدامات در حوزه فاصله اجتماعی، تعطیلی مدارس و مهدکودک‌ها، مراکز مراقبت کودکان و ... در عین حال که باعث شده است تا زنان شاغل نسبت به مراقبت فرزندان خود با مشکل روبه‌رو شوند؛ اما به تقسیم کار و همکاری بیشتر در میان خانواده (زن/ مرد) منجر شده است. در این رابطه همکاری مردان در خانه بیشتر مشاهده شده است. همچنین، بحران کرونا موجب تغییر سرعت هنجارها و انتظارات اجتماعی می‌شود. در نهایت، پیش‌بینی می‌شود که برنامه‌های کاری انعطاف‌پذیری بیشتری پیدا کند و کارفرمایان گزینه دورکاری را در نظر بگیرند. آن بخش از مقاله که به بررسی اثرات کرونا بر اقتصاد تمرکز دارد، بیشتر موردنظر ما قرار گرفته است. در پژوهش ما موردی که نشان‌دهنده همکاری و تقسیم کار در میان خانواده باشد، دیده نشده است.

لازم به ذکر است که در مقالات داخلی بحران کووید ۱۹ و تأثیر آن بر زنان به‌عنوان کار پژوهشی کمتر موردنظر قرار گرفته است و بیشتر مفاهیم و مقولات دیگری بررسی شده‌اند. برای نمونه در مقاله‌ای تحت عنوان «شناسایی چالش‌های کسب کارهای ورزشی در بحران کووید ۱۹ و ارائه راهکار»،

1. Sana Malik and Khansa Naeem  
2. Titan Alon

ریزوندی و همکاران (۱۳۹۹) با هدف شناسایی چالش‌های پیش‌روی کسب‌وکارهای ورزشی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج مربوط به چالش‌ها به دو حوزه ساختاری و کسب‌وکاری طبقه‌بندی شدند که سطح ساختاری دارای دو شاخه فرعی کلان و خرد بود. بخش چالش‌های کسب‌وکار نیز شامل دو شاخه فرعی زیرساختی و منابع انسانی بود. شرکت‌کنندگان در پژوهش نیز راهکارهایی متناسب با این چالش‌ها ارائه کردند. همچنین، راهکارهایی به‌منظور ترمیم اقتصادی در دوران پساکرونا شامل راهکارهای سیاسی، ساختاری و اقتصادی شناسایی شده است. در انتها به متولیان ورزش پیشنهاد شده است که با مدنظر قراردادن چالش‌های شناسایی شده، هرچه سریع‌تر به برنامه‌ریزی برای صاحبان کسب‌وکارهای ورزشی بپردازند تا از تعطیلی و ورشکستگی بخش عمده‌ای از فعالان در حوزه ورزش پیشگیری کنند و همچنین، با حمایت دولت از کسب‌وکارهای ورزشی به هدایت سرمایه‌گذاران جدید، اجازه رشد قیمت خدمات ورزشی و اصلاح قوانین خصوصی‌سازی در شرایط ویژه کنونی پرداخته شود.

البته در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر شاخص‌های برابری بر زندگی زنان متأهل ایرانی در دوران کووید ۱۹» زهرا دانش‌فر (۲۰۲۰) به بررسی تأثیرات کرونا بر سلامت روانی زنان شامل اضطراب، افسردگی و استرس پرداخته است. در مصاحبه با ۲۹ نفر اثرات کرونا بر سلامت روان زنان متأهل مورد توجه قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که استرس و اضطراب سیستم ایمنی بدن را مختل کرده است و افراد بیشتر در معرض بیماری‌های واگیردار قرار می‌گیرند. این تحقیق ضرورت اتخاذ استراتژی‌هایی در جهت بهبود سلامت روان مردم را نشان می‌دهد.

علاوه بر این مژگان مشتاقی و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «همکاری جهانی و شیوه‌های اجتماعی کاهش اثرات کووید ۱۹» به تأثیرات روانی کرونا بر احساسات منفی اضطراب در مورد قضاوت و واکنش‌های افراد در جامعه می‌پردازد و تجربه شخصی یک پرستار را در جامعه بررسی می‌کند که تحت تأثیر کرونا تنها تر و منزوی‌تر می‌شود. روی هم‌رفته اثرات منفی کووید ۱۹ بر زنان در موقعیت‌های کاری از اثر خود بیماری بیشتر خواهد بود.

در پژوهش‌های مورد بررسی عموماً با استفاده از روش‌های توصیفی و کمی تنها بر مشکلات عمومی در میان زنان و بدون توجه به قشر خاصی از آنان پرداخته شده است. در حالی که در تحقیق حاضر به دنبال واکاوی کیفی اثرات بحران کرونا بر زنان سرپرست خانوار در راستای ارائه راهکار و حل مشکلات آنان بوده‌ایم. چشم‌انداز مبهم این بحران تغییرات بالقوه‌ای می‌تواند در افزایش نابرابری جنسیتی داشته باشد. لذا پژوهش حاضر قصد دارد تا با مراجعه به جمعیت هدف، معنا، موانع یا محدودیت‌های ناشی از کرونا را شناخته و مورد مطالعه دقیق قرار دهد. به‌منظور درک تأثیرات کرونا بر روی زنان سرپرست خانوار سؤالاتی به‌صورت زیر قابل طرح است:

۱. بحران کرونا چه شرایطی را برای زنان سرپرست خانوار ایجاد کرده است؟

۲. راهکارهای مقابله با اثرات کرونا بر زنان سرپرست خانوار چیست؟

یافته‌های این تحقیق مقوله‌های خاصی را به دست می‌دهد که عبارت‌اند از پیش‌بینی از آینده تاریک و استرس، احساس تبعیض و بی‌عدالتی، طرد اجتماعی، آسیب‌پذیری اخلاقی. مقوله‌های مذکور با استناد به داده‌های مصاحبه‌ای بیانگر ماهیت چندبعدی اثرات کرونا بر فقیرتر شدن زنان سرپرست خانوار است. در نهایت، توصیه‌ها و مداخلات مؤثر به‌عنوان ابزاری برای پیشگیری مشکلات بیشتر ارائه می‌گردد.

### ۳. روش تحقیق

هر تحقیقی بر حسب هدف و موضوعی که در پی بررسی آن است، روش مناسبی را می‌طلبد. این پژوهش از جمله پژوهش‌های کیفی است و از حیث هدف در زمره مطالعات کاربردی طبقه‌بندی می‌شود. در تحقیق کیفی حاضر از روش‌های مصاحبه عمیق یا جامع و مشاهده مستقیم و مشارکتی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. روش نمونه‌گیری در این مطالعه نمونه‌گیری هدفمند از نوع نمونه‌گیری شدت است. بر اساس نمونه‌گیری شدت، نمونه‌هایی انتخاب شدند که ویژگی‌های موردنظر محققان را به شدت تجربه کرده باشند. بنابراین، از نمونه‌هایی استفاده شده که کرونا تأثیر مستقیم بر زندگی و کارشان داشته است. تعداد نمونه‌های انتخاب شده در این مطالعه ۱۵ نفر بودند که زنان سرپرست خانوار منطقه ۱ تهران، محدوده اوین و درکه را تشکیل می‌دهند. این فرایند را نمونه‌گیری نظری می‌خوانند که به دنبال نمونه‌گیری هدفمند است. برای تحلیل و تفسیر داده‌ها از شیوه تحلیل تماتیک استفاده شد که از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی است (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۵۸). تحلیل تماتیک عبارت از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که طی آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی دروندادها و برون‌دادها به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. به عبارت دیگر، تحلیل تماتیک عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل به دنبال الگویابی در داده‌ها است. زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی، تم‌ها از داده‌ها نشأت می‌گیرند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

محقق به دنبال تحلیل داده‌های مصاحبه‌های بدون ساختار به‌منظور بررسی عمیق دیدگاه کنشگران و کشف مفاهیم ذهنی آنها است. در این شیوه طی سه مرحله کدگذاری، باز، محوری و انتخابی مفاهیم و مقولات از مصاحبه‌های انجام‌گرفته استخراج و در قالب دسته‌بندی مقولات و مفاهیم ارائه شده‌اند. پس از تکمیل مصاحبه‌ها و تبدیل آنها به متن، مصاحبه‌ها چندین بار خوانده و کدگذاری شده‌اند. مهم‌ترین

هدف کدگذاری، خردکردن و فهم متن و پیوند اجزای به‌دست‌آمده با یکدیگر و تدوین مقوله‌ها و منظم‌کردنشان است (توماس و هاردن، ۲۰۰۸: ۳۶). در نهایت، شبکه‌ی مضامین ترسیم شده‌اند که بحث و نتیجه‌گیری آن ارائه شده است.

#### ۴. پارادایم جدید فقر

بر اساس مطالعات پژوهشگران، زنان بیشتر از مردان در معرض خطر فقر قرار دارند (کبیر، ۱۹۹۷؛ مقدم، ۱۹۹۷؛ چانت، ۱۹۹۷). همچنین، در نوشته‌های توسعه، زنان سرپرست خانوار به‌عنوان «فقیرترین فقرا» مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تحولات بینشی و تجربی در دهه‌ی اخیر سبب طرح پارادایم جدیدی در بحث فقر شده است که فقر زنان را معادل فقر زنان سرپرست خانوار می‌شمارد. رابطه‌ی این دو چنان ذاتی به نظر می‌رسد که کمتر پژوهشگری در درستی آن تردید می‌کند؛ در حالی که پیش از قطعیت‌بخشیدن به چنین رابطه‌ای بررسی توجیهات اصلی پارادایم جدید فقر و طرح این پرسش ضروری است که چرا و چگونه زنان سرپرست خانوار فقیرترین فقرا شدند (شادی طلب و گرایبی نژاد، ۱۳۸۳: ۵۲). البته دلایل متعددی در تأیید محرومیت زنان سرپرست خانوار به‌دلیل جنسیت و در پی آن، محرومیت از منابع وجود دارد. یکی از دلایل فقر زنان این است که خانوارهایی با سرپرست زن از خانوارهای با دو سرپرست فقیرترند؛ زیرا نان‌آور خانواده ندارند و همچنین، از تعداد افراد تحت تکفل بیشتری باید حمایت و نگهداری کنند. موضوع دیگر نبود یا ضعف سیاست‌های اجتماعی است که به‌ندرت حداقل را برای آنان تأمین می‌کند. نبود سیستم جبران‌کننده کسری درآمدها از طرف نهادهای دولتی یا قابل اغماض بودن آثار خدمات این سیستم‌های جبرانی بر وضعیت خانواده در بسیاری از کشورهای گزارش شده است (شادی طلب و دیگران، ۱۳۸۴: ۶). حال با توجه به مباحث مطرح‌شده و نگرانی از پیوستن جمع بیشتری از زنان سرپرست خانوار به گروه فقیرترین فقرا، این مقاله بر اساس یافته‌های پژوهشی در چارچوب مفهومی فقر و با روش تحقیق کیفی و شیوه‌ی تحلیل تماتیک به‌مثابه‌ی نوعی تحلیل تفسیری در جامعه زنان سرپرست خانوار تهران منطقه‌ی اوین و در که تدوین شده است.

#### ۵. توصیف ویژگی‌های نمونه

همان‌طور که جدول زیر نشان می‌دهد، در این پژوهش با ۱۵ نفر از زنان سرپرست خانوار ساکن در منطقه‌ی اوین و در که مصاحبه شده است. انتخاب این حجم از نمونه با توجه به اهمیت اشباع نظری در انجام مصاحبه‌های کیفی صورت گرفته است. از نظر شغلی این زنان به دو دسته‌ی شاغل با درآمد ناچیز و بدون شغل تقسیم می‌شوند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ ساله با تحصیلات دیپلم و علت سرپرستی طلاق و فوت همسر بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. ویژگی جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان به شرح زیر است.



| تعداد پاسخگویان | طبقات             | متغیرهای زمینه‌ای |
|-----------------|-------------------|-------------------|
| ۱۱              | ۳۰ تا ۴۰ ساله     | سن                |
| ۴               | ۴۰ تا ۵۰ ساله     |                   |
| ۲               | غیرشاغل           | وضعیت اشتغال      |
| ۱۳              | شاغل              |                   |
| ۰               | بی‌سواد           | سطح تحصیلات       |
| ۳               | ابتدایی           |                   |
| ۴               | سیکل              |                   |
| ۶               | دیپلم             |                   |
| ۰               | فوق دیپلم         |                   |
| ۲               | لیسانس            |                   |
| ۶               | طلاق              | علت سرپرستی       |
| ۴               | اعتیاد همسر       |                   |
| ۰               | متواری بودن همسر  |                   |
| ۲               | ازکارافتادگی همسر |                   |
| ۱               | زندانی بودن همسر  |                   |
|                 | فوت همسر          |                   |
| ۵               | ۱ و ۲ نفر         | افراد تحت تکفل    |
| ۶               | ۳ نفر             |                   |
| ۴               | ۴ و ۵ نفر         |                   |

جدول ۱. اطلاعات توصیفی مصاحبه‌شوندگان

| نام    | نوع کار                | سابقه کار |
|--------|------------------------|-----------|
| زهرا   | پرستار سالمند          | ۲۰        |
| فاطمه  | نظافت‌چی               | ۱۸        |
| نسرین  | پرستار کودک و سالمند   | ۱۷        |
| فاطمه  | آبدارچی                | ۱۷        |
| زینب   | خدماتی هتل             | ۱۶        |
| مریم   | نظافت‌چی سالن آرایشگاه | ۱۵        |
| محبوبه | خدمه مهدکودک           | ۱۴        |
| صغری   | بیکار (کودکیار سابق)   | ۱۲        |

جدول ۲. اطلاعات مصاحبه‌شوندگان

| نام    | نوع کار                   | سابقه کار |
|--------|---------------------------|-----------|
| شیما   | خدمت‌ی بوفهٔ سالن ورزشی   | ۹         |
| حمیده  | خدمت‌ی کلینک زیبایی       | ۸         |
| راضیه  | کارگر خدماتی              | ۸         |
| فاطمه  | نیروی خدماتی دانشگاه      | ۶         |
| فرشته  | بیکار(کارگر رستوران سابق) | ۶         |
| فرخنده | دستفروش                   | ۵         |
| عاطفه  | نیروی خدماتی دانشگاه      | ۵         |

ادامهٔ جدول ۲.

## ۶. یافته‌ها

پس از انجام مصاحبه با ۱۵ نفر از زنان سرپرست خانوار و بررسی وضعیت معیشتی آنها با مقوله‌های متعددی روبه‌رو شدیم. در اینجا به ذکر مهم‌ترین و بارزترین تم‌های استخراج‌شده از داده‌های به دست آمده اکتفا می‌شود. با تحلیل موضوعی داده‌های پژوهش، چهار مقوله خاص استخراج شده‌اند که عبارت‌اند از: پیش‌بینی از آینده تاریک و مملو از استرس، احساس تبعیض و بی‌عدالتی، طرد اجتماعی، آسیب‌پذیری اخلاقی. مقوله‌های استخراج‌شده در بخش برآیند در قالب یک الگوی موضوعی ارائه شده‌اند. حال به توصیف و تحلیل تم‌های چهارگانه مذکور با استناد به برخی مصاحبه‌های صورت‌گرفته با زنان سرپرست خانوار پرداخته می‌شود.

### ۶-۱. پیش‌بینی از آینده تاریک و مملو از استرس

اکثر زنان سرپرست خانوار دچار ترس و اضطراب از آینده نامعلوم هستند. شرایط کاری و محدودیت کار در دورهٔ قرنطینه استرس آنها را از آینده بیشتر کرده است. نتایج به دست آمده در گفت‌وگو با آنها نشان می‌دهد که اغلب آنان پس‌اندازی ندارند و امیدی به بهبود شرایط اقتصادی‌شان نیز دیده نمی‌شود. بیشتر آنان در پاسخ به این سؤال که آیندهٔ خود را چگونه می‌بینید، به فقیرتر شدن و آسیب‌های اجتماعی و روانی اشاره داشته‌اند که به تدریج در طول زندگی‌شان و با بزرگ‌شدن فرزندان‌شان وخیم‌تر و ناگوارتر شده است. به گفتهٔ این زنان، همسران آنها و خانوادهٔ آنها وضعیت مشابه و یا وخیم‌تر و ناگوارتر دارند. به همین دلیل، امکان حرکت و گذر از این فقر در آینده چندان قابل عملی شدن نیست. البته مشکلات آنان در دوران کرونا حادث‌تر شده است (ابدی، ۲۰۲۰: ۶۶). حمایت‌های اندک و محدود دولت پیش‌بینی آیندهٔ نامعلوم و محدودیت منابع امید به تغییر وضعیت را به ناامیدی تبدیل کرده است.

بر اساس مصاحبه‌های به‌عمل‌آمده یادآوری تعطیلی، محدودشدن نیروی کار و یا تعطیلی دائم محل کار یکی از دلایل اصلی استرس این گروه از زنان بوده است.

فرخنده یک زن سرپرست خانوار که به‌دلیل زندانی بودن همسرش سه سال است که بار مالی و معیشتی زندگی را بر دوش می‌کشد، گفت:

تا پیش از پدیدارشدن کرونا با اخذ مقدار کمی وام در حد ۲ میلیون تومان از بازار بزرگ پوشاک می‌خریدم و در مترو می‌فروختم. اما پس از کرونا و قرنطینه‌های ایجادشده همراه با آن و گرانی بیشتر، وضعیت زندگی مان بسیار سخت شده است. یارانه‌ای که از دولت دریافت می‌کنیم، بسیار ناچیز است. اقوام و دوستانمان هم شرایط بدتری از ما دارند و امید کمک از سوی آنها هم نداریم.

همچنین، برخی از این زنان در تعریف خود از ناامیدی، به فقر و تنگ‌دستی و بیکاری همسر اشاره کرده‌اند. آنها از اینکه توان حداقل کسب درآمد هم ندارند، همراه با تعطیلی مدارس و خانه‌نشینی شدن دسته‌جمعی اعضاء خانواده و درگیری میان اعضای خانواده به‌شدت احساس ناراحتی می‌کنند.

نسرین زن سرپرست خانواری که در یک شرکت خدماتی برای انجام امور تمیزکاری مشغول بود، گفت:

کرونا دوری و هراس از یکدیگر را در بین مردم ایجاد کرد، به‌طوری‌که دیگر درخواست زیادی برای تمیزکاری به این شرکت‌ها نداشته است، به‌ویژه در نوروز ۹۹ که تقریباً درخواست‌ها به صفر رسید. نوروز ۱۴۰۰ تا حدودی درخواست‌ها بیشتر شد؛ اما به حالت اولیه برگشت. با این روند بیماری و حساسیت مردم به اینکه ما عامل انتقال کرونا به آنها هستیم، وضعیت بیکاری طولانی‌مدتی در انتظار خود می‌بینیم. علاوه بر اینکه شرایط اقتصادی کسانی که در خانه‌هایشان کار می‌کردیم هم بدتر شده است، همان کمک مختصری که برای پوشاک یا خوراکیان از سوی آنها بدون حتی کارکردن در منزلشان داشتیم، از بین رفته است. انگار این بیماری اوضاع اقتصادی همه را به هم ریخته است.

در مجموع، این زنان در تعریف اثرات کرونا بر زندگی خود به آینده نامعلوم چگونگی کنترل این ویروس و برگشت وضعیت قبل اشاره می‌کنند. با توجه به سطح سواد، میزان و نوع اشتغال و شبکه روابط اجتماعی زنان سرپرست خانوار، زنان مصاحبه‌شونده تمایل چندانی به نوآوری و تغییر شرایط ندارند. میزان موافقت آنها با گویه‌های مرتبط با شرایط بد اقتصادی پسا کرونا بسیار شبیه به هم است. کمی بیش از ۸۰ درصد از زنان اعتقاد دارند که «شرایط بدتر خواهد شد» و کمتر می‌توانند سرنوشت خود را در این وضعیت بیماری همه‌گیر عوض کنند. حتی با وجود جوانی بخشی از زنان مشارکت‌کننده در مطالعه، فقط حدود نیمی از آنها توانایی بهبودبخشیدن شرایط زندگی را به‌شرط حمایت دیگران و دولت در خود می‌بینند.

## ۶-۲. احساس تبعیض و بی‌عدالتی

زنان سرپرست خانوار به‌طور کلی از سطح سواد و به‌ویژه تخصص کمتری نسبت به مردان برخوردارند (شکوری، ۱۳۹۲: ۱۱۴) و همین امر باعث می‌شود در شرایط کرونایی برای ایجاد شغل و درآمدزایی بیشتر با مشکل مواجه شوند. از طرفی در بعضی موارد بنا به گفته اغلب مصاحبه‌شوندگان در برخی از سازمان‌هایی که کارآفرینی‌هایی برای این افراد وجود داشته است، اکنون به‌دلیل شرایط ناشی از کرونا و پروتکل‌های بهداشتی این امکان برای آنها مهیا نیست.

در واقع نرخ مشارکت زنان در بازار کار بسیار پایین است و یک عامل آن به شغل‌های موجود در بازار کار مربوط می‌شود و به عبارت دیگر، شغل‌های بازار کار چندان مناسب زنان، به‌ویژه در دوران کرونا نیست. در نتیجه ورود زنان به بازار کار هم کمتر بوده است. نرخ مشارکت زنان در بازار کار نزدیک به ۱۳ تا ۱۵ درصد است و این آمار ما را در دسته پایین‌ترین نرخ مشارکت زنان در بازار کار قرار داده است. زینب یکی از مصاحبه‌شوندگان این شرایط تبعیض‌آمیز را از دید خود این‌گونه تعریف می‌کند:

تازه به امید آمدن مسافران سال نو و افزایش گرفتن انعام بودیم که آوار کرونا بر سرمان فروریخت و همه درآمدمان را با تعطیلی هتل حذف کرد. محدودیت‌های کرونا باعث تعطیلی هتل شد و این مسئله از لحاظ روحی و جسمی مرا تحت تأثیر قرار داده است.

این زن سرپرست خانوار با مقایسه زندگی خود با یکی از همسایگانش که شرایطی شبیه به او داشت، البته با این تفاوت که فرزندان او پسر بودند، چندین بار تأکید کرد که وضعیت دوستش به مراتب در این دوران کرونا بهتر از وی بود؛ چراکه پسران او با تعدیل نیرو در محیط کار روبه‌رو نشدند.

در مجموع، سطح اعتماد بسیار پایین زنان سرپرست خانوار نسبت به شرایط بازار کار و محیط‌های کاری بیشتر می‌تواند توضیح‌دهنده شرایط بیکاری آنان باشد. باور آنان به آینده‌ای تاریک، استرس نسبت به عدم بهبودی شرایط موجبات آمادگی بسیار کم آنها برای نوپذیری و فعالیت‌های مطابق با شرایط کرونایی شده است. اعتقاد به نقش‌های جنسیتی مبتنی بر تفاوت‌های بیولوژیک، درحالی‌که خود، نقش مرسوم مردانه نان‌آوری را ایفا می‌کنند، حاکی از تأثیر تجربه تضاد نقش‌ها و احساس نارضایتی در زندگی و فقیرتر شدن آنان است.

## ۶-۳. طرد اجتماعی

بنا بر آنچه که از مصاحبه‌ها به دست آمد، مجموعه عواملی همچون پیشینه نامناسب، محرومیت از نیازهای اساسی و ارزیابی از آینده نامناسب در دوره کرونا زمینه طرد اجتماعی زنان سرپرست خانوار را بیشتر فراهم می‌کند. به دلیل اینکه بیکاری مردان خانواده، تحصیل از راه دور فرزندان و... به شکل

مستقیم باری را بر دوش زنان قرار داده و محدودیت‌هایی را ایجاد کرده است (خسروی، ۲۰۲۰: ۸۷) از بین رفتن مشاغلی مانند نظافت‌خانه، نگهداری از سالمندان، کار در تالارها و رستوران‌ها، دستفروشی و حتی زباله‌گردی موجب شد تا بخش زیادی از زنان سرپرست خانواده با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شوند (ریزوندی، ۱۳۹۹: ۲۶۸). بهتر است بگوییم که بحران کرونا موجب شده است تا مشکلات این گروه از جامعه شدیدتر شود و این زنان در معرض آسیب‌های دیگری قرار بگیرند. زهرا که سرپرستی سه فرزند را پس از فوت همسر جوانش بر عهده دارد می‌گوید:

مدت دو سالی بود که پرستاری سالمندی را بر عهده داشتم. کار می‌کردم و درآمد بد نبود؛ زیرا علاوه بر هزینه نقدی مقداری کالا و اجناس خوراکی و پوشاک برای فرزندانم می‌دادند. به گفته وی از اسفند سال گذشته که نگرانی و بی‌اعتمادی از بابت نگرانی ابتلا به ویروس کرونا در بین مردم رواج یافت فرزندان آن سالمند با من تماس گرفتند و خواستند که دیگر به منزل مادرشان نروم. رفتار آنها با من طوری بود که انگار ناقل کرونا هستم.

این زن سرپرست خانواده می‌گوید:

در این مدت فقط منابع مالی گذران زندگی من مستمری اندک بهزیستی در کنار یارانه و کمک‌معیشت‌های ناچیز دولتی است. وی تقاضا کرد که با توجه به نامعلوم بودن زمان پایان همه‌گیری ویروس کرونا، مسئولان چاره‌ای اساسی برای زنان سرپرست خانوار در مشاغلی که به‌نوعی غیرفعال شده‌اند، بکنند تا در شرایط کرونایی بتوانند به زندگی‌شان ادامه دهند.

یکی دیگر از زنان سرپرست خانوار که سال پیش همسرش را به دلیل تصادف از دست داده و بعد از مرگ شوهر مجبور شده است در خانه‌های مردم کار کند، می‌گوید:

هرسال قبل از آغاز سال نو مشتری‌های زیادی داشت و می‌توانست حتی برای چند ماه از بابت تأمین احتیاجات و هزینه‌ها خیالش راحت باشد. اما امسال با شیوع کرونا کمتر کسی به ما اجازه داده در خانه‌اش کار کنیم؛ چون مردم می‌ترسند به‌خاطر کرونا کارگر در خانه بیاورند. تا وقتی همسرم زنده بود، روزگار هرچند سخت، ولی می‌گذشت. ولی با فوت وی انگار از سوی اطرافیان و حتی جامعه طرد شدم.

یکی دیگر از زنان که با سه بچه، دو سالی است که در مقابل مترو دست‌فروشی می‌کند، اما به گفته خودش، با شیوع کرونا مشکلاتش دو برابر شده و به‌سختی می‌تواند کار کند، می‌گوید: «امسال با آمدن کرونا ما حتی محتاج نان شب شده‌ایم. بیماری کرونا اول باعث شده تا مردم دیگر از ما جنس نخرند و بعد اینکه اگر ازدحام شود، فوراً مأموران مترو می‌آیند و اجازه نمی‌دهند تجمع شود. حالا با این

وضعیت من چطور می‌گذرد؟ خراج زندگی‌ام را در بیاورم. متأسفانه بیماری کرونا ما را فقیرتر کرد».

نابرابری در فرصت‌ها در تمام طول زندگی این گروه از زنان، زمانی که مسئولیت خانواده به‌ناچار بر دوش آنها گذاشته شده است، بیش‌ازپیش خود را نشان می‌دهد. نابرابری در دسترسی به آموزش، مشارکت در جریان تصمیم‌گیری‌های خانواده، عدم امکان کسب مهارت، همراه با مستحیل شدن در وظیفه مادری و نادیده گرفتن حتی نیازهای اولیه خود در قبال خشنودی دیگران، به‌ویژه فرزندان زنان را از قابلیت‌های لازم برای کاهش فقر محروم نموده است (صفا کیش، ۱۳۹۵: ۱۰۷). زن سرپرست خانوار «خود» را به‌قیمت تداوم زندگی و حفظ «دیگران» فراموش کرده است. فقیرتر شدن آنها و شرایط سخت زندگی، ناخودآگاه آنان را به انزوا کشانده است.

#### ۶-۴. آسیب‌پذیری و افزایش خشونت خانگی

خشونت و رفتار پرخاشگرانه به‌معنای اعمال رفتار خشن نسبت به دیگران است که می‌تواند موجب دوری‌گزینی و یا بروز رفتاری باشد که تلویحاً به‌قصد آسیب‌رساندن به شخص دیگر انجام می‌شود. اصطلاح خشونت خانگی به نوعی رفتار پرخاشگرانه اشاره دارد که در روابط نزدیک و خانوادگی رخ می‌دهد و اشکال گوناگونی مثل خشونت جسمی، جنسی، روان‌شناختی و اقتصادی دارد (حسن‌پور ازغدی، ۱۳۸۹: ۴۹). افزایش خشونت کلامی و فیزیکی، اقشار آسیب‌پذیر به‌ویژه زنان سرپرست خانوار را بیش از همه تحت تأثیر قرار داده است، به‌ویژه آن‌هایی که فرزندان بیشتری را تحت سرپرستی و تکفل خود دارند. بحث آموزش مجازی دانش‌آموزان، دورکاری والدین شاغل در کنار پیامدهای منفی اقتصادی کرونا موجب شده است تا خانواده‌ها بیش از گذشته در کنار هم بگذرانند (شهید، ۱۳۹۹: ۱۸۸). پیامدهای اقتصادی منفی ناشی از کرونا که به بحث اقتصاد خانواده مرتبط بود و گذراندن زمان بیشتر در کنار هم به افزایش خشونت خانگی زنان ختم شده است؛ به‌نحوی که در یکی از این خانواده‌ها به‌دلیل کتک‌خوردن‌های مکرر یکی از زنان دچار جراحت‌های شدید و حتی خونریزی چشمی شده است.

فرشته، یکی از زنان سرپرست خانوار می‌گوید:

در آپارتمان اجاره‌ای ۳۰، ۴۰ متری و سه بچه محصل در کنار همسر معتاد و بیمار مشکلات زندگی‌مان چندبرابر شده است. کرایه خانه، هزینه درس‌ومشق بچه‌ها که حالا با کرونا و با ماندن دو فرزندم در خانه که نیاز به گوشی تلفن هوشمند یا تبلت دارند! و با یک گوشی هر دو درس می‌خوانند و با هم دعوایشان می‌شود. تا قبل از کرونا مدرسه می‌رفتند، خسته به خانه می‌آمدند و این دعوا و جروبحث‌ها کمتر بود، نه اینکه نباشد؛ اما خیلی بهتر بود ... پدرشان که خسته از سرکار می‌آمد، دیگر حوصله آنها را نداشت و با دعوای آنها بر سر گوشی موبایل، پدرشان شروع به کتک‌زدن و ناسزاگفتن به ما می‌کرد ...

یکی دیگر از زنان می گوید:

از زمان شیوع کرونا و طرح فاصله گذاری و خانه نشین شدن، هر روز در خانه ما دعوا و بحث بوده است. پسرانم از پدرشان یاد گرفته اند شیء پرتاب می کنند. با پرتاب شیء دستم شکست. در حال حاضر همسرم در زندان است. پسرانم به جای اینکه کمک من باشند، اول با هم دعوا می کنند و سپس مرا نیز وارد بحث خود می کنند. تا قبل از کرونا کمتر با هم وقت می گذراندیم، اما خانه نشینی خشونت آنها را بیشتر کرد.

عاطفه، یکی دیگر از مصاحبه شونده‌گان تعریف می کند:

همسرم در این دوران کرونا بیشتر به دنبال بهانه است. من کوتاه می آیم. شوهرم در خانه نشسته و غر می زند. از چهره اش و بلند حرف زدن و صدای خشن او می فهمم پول ندارد و عصبانی است. وسایل را برمی دارد به در و دیوار می کوبد... قبل از کرونا نصف روز را در خوابگاه دانشگاه به نظافت می پرداختم. غذایمان را از آنجا می آوردم و بخشی از هزینه هایمان را تأمین می کردم؛ اما با تعطیلی خوابگاه و برای مدتی بیکار بودم. الان هم پس از باز شدن محدود خوابگاه دانشگاه کار و حقوقمان نصف شده است...

همان طور که ملاحظه می شود، شیوع کووید ۱۹ یکی از عواملی است که می تواند باعث افزایش سطح اضطراب و استرس شود. بر اساس یافته های مطالعات، افزایش سطح نگرانی و استرس در طی این دوران همراه با افزایش مشکلات اقتصادی منجر به افزایش پر خاشگری و خشونت خانگی شده است. بنابر نظر جامعه شناسان، شیوع این بیماری سبب ظهور عوامل جدید در بروز یا تشدید آسیب های سنتی همسر آزاری و خشونت علیه زنان شده است. انزوای اجتماعی از یک سو، و کاهش احتمال گزارش به نهادهای حمایتی از سوی دیگر، باعث محروم شدن خانواده های آسیب پذیر از حمایت مادی و معنوی سایرین می شود. حاکمیت نگاه مردسالارانه و زن ستیزانه، پذیرش فرهنگی بد رفتاری علیه زنان، نگاه مالکانه و دارایی محور به زنان و کودکان و قائل شدن حریم خصوصی خانواده، خشونت خانگی و آسیب پذیری زنان را بیشتر می کند.

## ۷. تحلیل یافته ها

ارزیابی مصاحبه شونده‌گان از وضعیت زندگی گذشته، حال و آینده نامناسب این زنان را به گونه ای اجتناب ناپذیر با روحيات افسردگی، استرس و فشار روحی مواجه ساخته است. این شرایط و راهکارهای در پیش گرفته شده برای مقابله با آن پیامدی جز احساس طرد شدگی، بی انصافی و غم نداشته است. برآیند کلیه موارد مذکور چیزی بیش از صورت بندی وضعیتی تنش زا برای زندگی این زنان فراهم

نمی‌آورد. شکل‌گیری این صورت‌بندی در چنین بستر و زمینه‌ای به تضعیف توانمندی زنان سرپرست خانوار می‌انجامد. از آنجایی که کرونا جمعیت زیادی از زنان را بیکار کرده است، آنان به‌ناچار در برابر امور زندگی و کمیت و کیفیت روابط اجتماعی واکنش نشان می‌دهند و این‌گونه بر تضعیف موقعیت فردی و اجتماعی این زنان افزوده می‌شود.

بیشتر مشکلات زنان سرپرست خانوار از نوع اقتصادی است که فشار روحی و روانی بر آنها وارد می‌کند و بر توانایی و عملکرد آنها نیز تأثیر می‌گذارد. حمایت مالی و توانمندسازی زنان با محوریت اشتغال می‌تواند بهترین راهکار در شرایط کرونایی باشد. راه‌اندازی تعاونی‌های تولیدی زنان سرپرست خانوار می‌تواند بهترین راهکار توانمندسازی زنان در شرایط کرونایی باشد و البته این راهکارها را می‌شود در دوران پسا کرونا هم ادامه داد و از آنها بهره‌مند شد.

در حال حاضر در ایران، نهادهای مربوطه به‌دلیل مسائل اقتصادی قادر به جبران کامل مشکلات این دسته از مددجویان آسیب‌پذیر نیستند یا خیلی کم قادرند و نتوانسته‌اند نیازهای اولیه این خانواده‌ها را برآورده کنند. در این راستا با توجه به اینکه درآمد مردم دچار مشکل، تورم و بحران اقتصادی شده است، سازمان‌های مردم‌نهاد برای دریافت کمک‌های مردمی با مشکل مواجه شده‌اند. از سویی ساختار حاکمیتی هم به‌دلیل مسائل و مشکلات مالی که به‌شدت درگیر آن است، توانایی حمایت مالی کامل از این دسته اقشار آسیب‌پذیر جامعه را ندارد. در مجموع، با توجه به کاهش میزان کمک‌های مالی از طریق سازمان‌های مردمی و ساختار حاکمیتی و از سویی مشکلات مالی زنان سرپرست‌خانوار در حوزه تولید و فروش محصولات خانگی یا عرضه خدماتی خود از سه جهت منابع درآمدی آنها تحت تأثیر قرار گرفته و کاهش یافته است.

وضعیت کنونی این تصور را تقویت می‌کند که زنان سرپرست خانوار به‌دلیل اینکه آن‌گونه که باید آموزش و مهارت کسب نکرده‌اند، اشتغال ندارند، درآمد کسب نمی‌کنند و بنابراین در معرض آسیب بیشتری هستند. البته ضمن تأکید جدی بر فقر درآمدی، بخش عمده‌ای از آسیب‌پذیری و تحت خشونت قرارگرفتن آنان حاکی از آن است که زنان سرپرست خانوار از توانمندی روانی و اجتماعی قابل توجهی برخوردار نیستند. بنابراین فقیرتر شدن زنان سرپرست خانوار و آسیب‌پذیری بیشتر آنان فقط ناشی از شرایط کرونایی نیست؛ بلکه تحت تأثیر عوامل گوناگون روانی و معرفتی قرار می‌گیرد. محرومیت اجتماعی، آنها را از کسب فرصت‌های احتمالی اشتغال محروم کرده است. واقعیت این است که جلوگیری از فقیرتر شدن زنان سرپرست خانوار در پرتو آن عدالت جنسیتی بدون ایفای وظیفه حکومت‌ها تحقق‌پذیر نیست.



- ریزوندی، آیه و همکاران (۱۳۹۹) «شناسایی چالش‌های کسب‌وکارهای ورزشی در بحران کووید ۱۹ و ارائه راهکار» *مطالعات مدیریت ورزشی*. دوره ۱۲، شماره ۶۱، مرداد و شهریور، صص ۲۶۵-۲۸۸.
- حسن‌پور ازغدی، بتول و معصومه سیمبر (۱۳۹۰) «خشونت خانگی علیه زنان: مروری بر نظریه‌ها، میزان شیوع و عوامل مؤثر بر آن»، *نشریه دانشکده پرستاری و مامایی*. دوره ۲۱، شماره ۷۳، تابستان، صص ۴۴-۵۲.
- شادی‌طلب، ژاله و علیرضا گرابی‌نژاد (۱۳۸۳) «فقر زنان سرپرست خانوار» *پژوهش زنان*. دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۳۸۳، صص ۴۹-۷۰.
- شادی‌طلب، ژاله و دیگران (۱۳۸۴) «فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۷، صص ۱-۲۲.
- شکوری، علی و علی‌اصغر سعدی (۱۳۹۲) «فقر خانواده و زنان شهری در تهران»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، دوره چهارم، شماره ۱۰، صص ۷۳-۱۰۸.
- شهیداد، شیما و همکاران (۱۳۹۹) «آثار روان‌شناختی گسترش بیماری کووید -۹۱ بر وضعیت سلامت روان افراد جامعه: مطالعه مروری»، *مجله طب نظامی*، دوره ۲۲، شماره ۲، اردیبهشت‌ماه، ۱۸۴-۱۹۲.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۸) *گزیده سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران*.
- محمدپور، احمد و مهدی رضایی (۱۳۸۷) «مبانی پارادایمی روش مردم‌نگاری و نظریه زمینه‌ای در پژوهش کیفی: اصول نظری و شیوه‌های عملی»، *فصلنامه پژوهش علوم‌انسانی دانشگاه بوعلی سینای همدان*، سال ۶، ش ۱۸ و ۱۷، صص ۱۵۱-۱۷۰.
- صفاکیش، محدثه و زهره فلاح محسن خانی (۱۳۹۵) «بررسی عدم مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار ایران»، *مجله بررسی‌های آمار رسمی ایران*. پژوهشکده آمار، سال ۲۷، صص ۱۰۳-۱۱۹.
- میر ویسی نیک، صادق (۱۳۹۴) «انسان و عدالت جنسیتی در رویکرد قابلیت‌آماریاسن»، *فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره هفتم، شماره ۴، پیاپی ۲۸، ۴۷-۷۲.
- Abdi, M. (2020) "Coronavirus disease (COVID-19) Outbreak in Iran: Actions and Problems". *Infect Control Hosp Epidemiol* 2020; 20:1-2. 3.
- Albert, Esteve & Liu, Chia (2017) Female- Headed Households and Living Conditions in Latin America, *World Development* 9.
- Chant,S (1997) Women –headed Households: Diversity and Dynamics in the Developing World, Hound Mills, Basingstoke: Macmillan.
- Daneshfar, Zahra (2020) Influential Factors on Quality of Life in Married Iranian Women During the Covid-19 Pandemic in 2020: A Path Analysis, Under Review.
- Kabeer, Niala (1996) Agency, Well-being & Inequality: Reflections on the Gender Dimensions of Poverty, 27, 1, PP: 11-22.
- Khosravi, M. (2020) Perceived Risk of COVID-19 Pandemic: The Role of Public Worry and Trust. *Electron J Gen Med*. 2020; 17:203.
- Koh D. (2020) Occupational risks for COVID-19 infection. *Occupay Med (Lond)*; 70(1): 3-5.
- Malik, Sana and Khansa Naeem (2020) Impact of COVID-19 Pandemic on Women - Health,

Livelihoods & Domestic Violence, Sustainable Development Policy Institute. <http://hdl.handle.net/11540/11907>.

- Moghadam, V. (1997) The Feminization of Poverty, Notes on the Concept and Trend, Illinois State University, Women Studies Occasional Paper No.2.
- Narayana, N., Nair, M. K. S., and Legwale, O. C. (2015) "Factors Determining Savings of Women-headed Households in Botswana". *International Journal of Economic Issues*, (8) 2: 55-62.
- Thomas, James, Harden , Angela, (2008) Methods for Research Synthesis Node, Evidence for Policy and Practice Information and Co-ordinating (EPPI-) Centre, Social Science Research Unit, 18 Woburn Square, London WC1H 0NS. <http://eppi.ioe.ac.uk/cms/Default.aspx?tabid=188>.
- United Nation (2020) Policy Brief: The Impact of COVID-19 on Women. <https://www.unwomen.org/en/digital-library/publications/2020/04/policy-brief-the-impact-of-covid-19-on-women>.
- Wenham, Clare (2020) "The Gendered Impact of the COVID-19 Crisis and Post-crisis Period", *Policy Department for Citizens' Rights and Constitutional Affairs*.

